



Scientific-research Quarterly of Law Knowledge of Khatam Al-Nabieen University



Security measures in Afghanistan's criminal policy

abdulkarim skandari

Abstract

Precautionary measures are measures taken by the court to reform and rehabilitate the offender and prevent him from reoffending, taking into account the dangerous state. Although these measures were initially established to prevent crime and as an alternative to punishment, today they are a type of lenient punishment that is adopted and applied by the justice and judicial system to dangerous criminals after the crime has been committed. Given its dual nature (preventive and intimidatory aspects), preventive measures have both similarities and advantages with other social reactions. The Afghan legislator has foreseen provisions related to preventive measures in several articles of the former Penal Code and the Penal Code, and has addressed both aspects of preventive measures, and has considered the purpose of its creation to be the education and reform of the accused or convicted person, his readaptation to social life, and the prevention of the occurrence and repetition of crimes, taking into account the dangerous state. The scope of security measures is broad and includes a wide range of measures, from measures depriving of liberty to measures restricting freedom, measures depriving of rights and economic measures. The present study, using a descriptive-analytical method, has examined the definition and nature of security measures, their objectives, implementation conditions and cases from the perspective of the Afghan Criminal Code.

Keywords :Security measures, objectives, conditions, cases, punishment, differences, similarities.



تدابیر تأمینی در سیاست جنایی افغانستان

عبدالکریم اسکندری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

چکیده

تدابیر تأمینی عبارت از اقداماتی است که ازسوی محکمه به منظور اصلاح و بازپروری مجرم و جلوگیری از تکرار جرم و با در نظر داشت حالت خطرناک اتخاذ می شود. این تدابیر هرچند در آغاز به منظور پیشگیری از جرم و به عنوان جایگزین مجازات تأسیس شد، اما امروزه نوعی از جزاهای ارفاقی است که بعد از وقوع جرم توسط دستگاه عدلی و قضایی نسبت به مجرمین دارای حالت خطرناک اتخاذ و تعمیم می شود. تدابیر تأمینی با توجه به ماهیت دوگانه که دارد (جنبه پیشگیرانه و ارعابی) با سایر واکنش های اجتماعی هم شباهت هایی دارد و هم امتیازاتی. قانون گذار افغانستان در مواد متعدد از قانون جزای سابق و کود جزا احکام مربوط به تدابیر تأمینی را پیشی بینی نموده است و به هردو بعدی از اقدامات تأمینی پرداخته و هدف از ایجاد آن را تربیت و اصلاح متهم یا محکوم، انطباق مجدد وی با حیات اجتماعی و جلوگیری از وقوع و تکرار جرم با نظر داشت حالت خطرناک بودن دانسته است. قلمرو اقدامات تأمینی گسترده بوده و طیف وسیعی از تدابیر را شامل می شود، از تدابیر سلب کننده آزادی گرفته تا تدابیر محدود کننده آزادی، تدابیر سلب کننده حقوق و تدابیر اقتصادی. تحقیق پیش رو، با روش توصیفی تحلیلی، تعریف و ماهیت تدابیر تأمینی، اهداف، شرایط تطبیق و موارد آن را از منظر قانون جزای افغانستان بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: اقدامات تأمینی، اهداف، شرایط، موارد، مجازات، تفاوت ها، شباهت ها.

* کدر علمی دیپارتمنت حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خاتم النبیین (ص) skandari12@gmail.com

مقصود از تدابیر یا اقدامات تأمینی برخورد اصلاحی با مجرمین به عادت یا خطرناک یا مجرمینی است که نیاز به حمایت دارند. درواقع، اقدامات تأمینی، مجازات محسوب نمی-شود و هدف از آنها حمایت، تربیت، درمان و مراقبت است که درباره مجرمین ولگرد یا به عادت یا متکدیان یا مجانین یا صغار اعمال می‌شود. این دسته از اقدامات معمولاً اصلاحی می‌باشند. نگهداری افراد یادشده در شفاخانه‌ها، تبعیدگاه‌ها، کارگاه‌های صنعتی، مراکز بازپروری یا کانون‌های اصلاح و تربیت است. تدابیر تأمینی، که برخی به اقدامات امنیتی نیز تعبیر می‌کند، نوع جدیدی از واکنش علیه پدیده مجرمانه است. این رویکرد برای جایگزینی مجازات به وجود آمده است. «هدف اقدامات تأمینی عمدتاً پیشگیری است و اگرچه بعضی از آنها عملاً دارای آثار ارباب‌انگیزی هستند، ولی به هیچ‌وجه، اهداف سزادهی و اربابی را دنبال نمی‌کنند».

اقدامات تأمینی مفهوم و رویکرد واکنشی است که منشأ در تفکر مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی دارد؛ ولی مکاتب کلاسیک جدید نیز آن را نادیده نگرفته است. مفهوم یادشده یکی از نقطه‌های تمایز کلاسیک‌ها با تفکر اثباتی و دفاع اجتماعی است. اقدامات تأمینی از یک طرف با حالت خطرناکی و از جهت دیگر، با جبری بودن ارتکاب جرم رابطه‌ای نزدیک دارد؛ به گونه‌ای که طرفداران جبری بودن ارتکاب جرم عقیده دارند، مجرم در عمل مجرمانه خویش آزادی ندارد و حالت خطرناکی آنها براساس علل مختلف به میان می‌آید. بنابراین، مجازات برای مجرمان کار نامعقولی به نظر می‌آید و باید از اقدامات تأمینی کار گرفت. «مجازات دفاع جامعه را تأمین نمی‌کند. باید برای جلوگیری از زیان حالت خطرناک تدابیری اندیشید، این تدابیر را اقدامات تأمینی نامند».

پیدایش اقدامات تأمینی در حقوق جزای مدرن به علت این بود که در طی قرن نوزدهم مکتب نیوکلاسیک در مبارزه با جرائم به‌طورکلی و تکرار جرم خاصاً مواجه با شکست شد. تجربه نشان داد که پاره‌ای از مجرمان به عادت و بیماران روحی از درک واقعیت مجازات عاجزند و اثر اربابی آن را احساس نمی‌کنند و به همین جهت به فعالیت مجرمانه خود ادامه می‌دهند. ازاین‌رو، باید تدابیری سنجید و جامعه را در مقابل این‌گونه حالت‌های خطرناک



حفظ کرد. حفظ و صیانت جامعه در مقابل وضعیت‌های خطرناک نیازمند اقداماتی است که در اصطلاح حقوق جزا به تدابیری تأمینی مشهور شده است.

با توجه به ویژگی‌ها و مبانی تدابیر تأمینی می‌توان گفت: اقدامات تأمینی عبارت است از تدابیر واکنشی توسط دستگاه عدلی و قضایی برای ارائه پاسخ مناسب با حالت خطرناکی افراد (مظنون، متهم و مجرم) با استفاده از دوسیه شخصیت مجرم یا نشانه‌های حالت خطرناکی و با توجه به سطح حالت خطرناکی او به‌منظور درمان و اصلاح مجرم و دفاع از جامعه. بدین ترتیب، تدابیر تأمینی با فردی کردن مجرمان نیز رابطه دارد؛ زیرا فردی کردن مجرمان تنوع اقدامات تأمینی را می‌طلبد تا برای مجرم خاص واکنش مناسبی اعمال شود.

تحقیق پیش‌رو در تلاش است که تدابیر تأمینی را از منظر حقوق جزای افغانستان تحلیل و بررسی کند و به این سؤالات پاسخ دهد که آیا تدابیر تأمینی نوعی اصلاح و درمان است و یا مجازات؟ سیاست جزایی قانون‌گذار افغانستان در مورد تدابیر تأمینی چیست و چه تعریف از تدابیر تأمینی و ماهیت آن در کود جزای افغانستان ارائه شده و قواعد عمومی حاکم بر تدابیر تأمینی و شرایط اجرای آن چیست؟ پاسخ به این سؤالات ایجاب می‌کند که در ابتدا دیدگاه‌های متفاوت در مورد تدابیر تأمینی، تفاوت‌ها و شباهت‌های تدابیر تأمینی با مجازات بررسی شود و سپس تعریف تدابیر تأمینی، اصول حاکم بر آن و شرایط تطبیق تدابیر تأمینی از منظر کود جزای افغانستان کنکاش شود.

الف) رویکردهای متفاوت در مورد تدابیر تأمینی

اصطلاح تدابیر تأمینی از نظر حقوقی همان‌گونه که بیان شد عبارت است از تدابیری که برای مقابله با حالت خطرناکی بزه‌کار به‌موجب حکم دادگاه اتخاذ می‌شود؛ ولی امروزه این اقدامات نوعی مجازات به شمار می‌آید و غالباً مصادیق این اقدامات مانند حبس یا جزای نقدی یا اقامت در محل معین، بخشی از مجازات واکنش‌های جزایی است. به همین لحاظ هرچند اصل تدابیر تأمینی در حقوق جزا مورد اتفاق است، اما تمایل اقدامات تأمینی به سمت مجازات به حدی است که در مورد ماهیت اقدامات تأمینی امروزه دیدگاه‌های کاملاً مخالفی بروز کرده است. هریک از دیدگاه‌های موجود به‌صورت مختصر بررسی می‌شود.

دیدگاه اثبات‌گراها:^۱ طرفداران مکتب تحقیقی - اثباتی معتقدند که عصر مجازات سپری شده و اقدامات تأمینی باید جانشین آن شود. مجازات باید مبتنی بر اراده آزاد، مسئولیت اخلاقی و تناسب جرم باشد و تمامی این مفاهیم اعتبار خود را از دست داده‌اند. در آینده باید با وسیله علمی که مبتنی بر واقعیت و فایده اجتماعی باشد دفاع از جامعه و ارزش‌ها تأمین شود و این وسیله همان تدابیر تأمینی است. آموزه تحقیقی (اثباتی) عمدتاً دو دستاورد مهم داشته است: اولاً، با تأکید بر شخصیت مجرم و با پافشاری بر اینکه هر مجرمی به لحاظ شخصیتش، باید تحت سیاست جنایی خاصی قرار داده شود؛ ثانیاً، اثباتیون با پیشنهاد این موضوع که مفهوم «اقدام تأمینی» جایگزین مفهوم جزا شود، اگرچه موفقیت کاملی به دست نیاوردند، اما در عین حال، به تدریج به گسترش مفهوم اصلاح و درمان کمک کرده‌اند (ناتل، ۱۳۴۵، ص ۱۰۲).

دیدگاه مکتب نیوکلاسیک‌ها: در مقابل نظریه اثباتیون دیدگاه نیوکلاسیک‌ها قرار دارد. پیروان این مکتب خود را ملتزم به اصل آزادی اراده انسان، مسئولیت اخلاقی و تناسب جرم و مجازات می‌دانند و از این رو، مبارزه اصلی با جرم را مجازات دانسته و به کارگیری اقدامات تأمینی را استثنایی و در مورد مجرمان خطرناک (مرتکبین تکرار جرم) و مجرمان به عادت و بیماران روحی - روانی تجویز می‌نمایند.

دیدگاه تلفیقی: مطابق این نظریه، اقدامات تأمینی غیر از مجازات است و از نظر شرایط و ماهیت با یکدیگر تفاوت دارد؛ اما مجازات و اقدامات تأمینی در کنار هم و با شرایط خاص در حقوق جزا برای مبارزه با جرم به کار می‌رود. این نظریه که از آن به دیدگاه حد وسط نیز تعبیر می‌شود، امروزه مورد پذیرش اغلب قوانین جزایی کشورها قرار گرفته و در عمل، هم اقدامات تأمینی و هم مجازات برای مبارزه با مجرمان استفاده می‌شود و اتحادیه بین‌المللی حقوق جزا نیز همین نظریه را قبول کرده است. برخی از اثبات‌گراها از جمله «فری» نیز در کنگره بین‌المللی حقوق جزا در بروکسل در سال ۱۹۲۴ از همین نظریه جانب‌داری کرده است (باهری، ۱۳۸۰، ص ۴۹۵). با توجه به دیدگاه سوم در مورد اقدامات تأمینی مشخص می‌شود

۱. به طرفداران مکتب تحقیقی اثباتی، اثباتیون یا اثبات‌گراها گفته می‌شود.

که تدابیر تأمینی با مجازات از جهاتی متمایز است و در برخی از ویژگی‌ها با هم مشترک هستند. تفاوت‌ها و تشابهات مجازات و تدابیر تأمینی به صورت مختصر ارزیابی می‌شود.

ب) تمایزات تدابیر تأمینی با مجازات

تفاوت در هدف: مجازات در واقع، رنج و آزاری است که مجرم از آن متأثر و متالم می‌شود. به همین دلیل، با وجود مخالفت‌های فراوان صاحب‌نظران و حقوق‌دانان با مجازات‌های سخت بدنی مانند قطع اعضا و اعدام، هنوز جنبه هراس‌انگیزی و خوارکنندگی مجازات‌ها، جایگاه خود را حفظ کرده است؛ اما اقدامات تأمینی این ویژگی را ندارد. شخصی که در مورد وی تدابیر تأمینی اتخاذ می‌شود، در معرض رنج و آزاری قرار نمی‌گیرد که موجب رنجش وی شود یا حداقل مرارت و رنج ناشی از تدابیر تأمینی به پایه رنج و سختی مجازات نمی‌رسد.

بنابراین، در اقدامات تأمینی ابعاد هراس‌انگیزی و ارعاب به‌طور اصولی مطرح نیست و جنبه درمانی و اصلاحی آن مورد توجه است و یا بهتر است گفته شود که این جنبه بر ابعاد دیگر غلبه دارد؛ زیرا هر قدر هم که از این اقدامات هراس‌زدایی و ارعاب‌زدایی شود، هنوز نوعی نگرانی و هراس در مرتکب جرم و نزدیکان او وجود خواهد داشت؛ ولی می‌توان گفت این ابعاد مورد توجه نبوده و اصالت ندارد (ابوعامر، ۱۹۹۲، ص ۴۱۶). البته در عمل دیده می‌شود که پاره‌ای از اقدامات تأمینی نظیر تدابیر تأمینی سالب آزادی یا محدودکننده آزادی واجد خصوصیات رنج‌آور مجازات‌ها بوده و مؤسساتی که این قبیل تدابیر در آنها به اجرا گذاشته می‌شود، مشابه مؤسسات زندان است (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰).

تفاوت در زمان: مجازات ناظر به گذشته است و به جرمی توجه دارد که انجام شده و قانون و نظم جامعه را بر هم زده است. به دیگر سخن، مجازات در واقع، واکنش اجتماعی است در برابر رفتاری که به هنجارها و روندهای اجتماعی تعدی کرده است؛ اما اقدامات تأمینی ناظر به آینده و بیشتر متمرکز بر اصلاح شخصی است که حالت خطرناک از خود بروز داده است و هدف از اتخاذ اقدامات تأمینی این است که در آینده ضرری از ناحیه این فرد متوجه جامعه نشود. بنابراین، اعمال هر نوع مجازاتی اصولاً «پس از وقوع جرم» می‌باشد و قبل از ارتکاب جرم، اعمال هیچ مجازاتی تجویز نشده است. اقدامات تأمینی نیز گرچه نوعاً پس از وقوع



جرم و برای جلوگیری از تکرار جرم اعمال می‌شوند، اما در موارد خاصی اتخاذ تدابیر تأمینی تحت شرایط قانونی، «قبل از وقوع جرم» تجویز شده است.

تفاوت در مسئولیت جزایی: در تحمیل و تعیین مجازات‌ها «مسئولیت اخلاقی مجرم» نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین، قبل از تعیین میزان مجازات، مفاهیمی مانند مسئولیت جزایی، عنصر روانی، قصد مجرمانه، علم به قانون و مانند آنها مطرح بوده و در صورتی که مرتکب جرم فاقد مسئولیت کیفری باشد؛ مانند اطفال و مجانین، تعیین مجازات منتفی است. همچنین داشتن سوءنیت خاص یا عام وجود تقصیر جزایی و یا فقدان آنها، هریک می‌تواند در میزان مجازات مؤثر باشد؛ درحالی‌که در اقدامات تأمینی «مسئولیت اخلاقی» نقشی ندارد و اصولاً این اقدامات فاقد «شائبه اخلاقی» بوده و به‌جای آن به «حالت خطرناک» توجه می‌شود و با بروز علائم و نشان‌های خاصی از طرف شخص اتخاذ و اعمال آن را ایجاب می‌کند. در نتیجه، تعیین اعمال آنها در مورد اشخاص فاقد مسئولیت کیفری، مانند اطفال یا کسانی که فاقد قوه تمیز و تشخیص‌اند، یا در ارتکاب فعل مجرمانه سوءنیتی ندارند، نیز معقول و بلکه ضروری خواهد بود؛ چنان‌که رویه قضایی کشورها از جمله فرانسه بر این عمل صحه گذاشته است (النبرای، ۱۹۹۵، ص ۵۰۰).

تفاوت در کمیت و کیفیت: میزان مجازات عمداً برحسب سنگینی جرم انجام یافته تعیین می‌شود و براساس «اصل تساوی» که شخصیت بزه‌کار در میزان مجازات تأثیری ندارد، مگر موارد خاصی که مطابق قانون تشدید یا تخفیف مجازات تجویز شده است؛ مانند تکرار و تعدد جرم یا شرایط و اوضاع و احوالی که جرم تحت تأثیر آنها واقع شده است. در تعیین مجازات باید قاضی هنگام صدور حکم اصل تناسب را رعایت نماید؛ ولی در تدابیر تأمینی، ملاک اصلی در تعیین مدت و میزان آن، «درجه خطرناکی» شخص است، شبیه مدت معالجه‌ای که پزشک برای بیمار تعیین می‌کند که ناظر بر وضعیت بیماری اوست نه شخصیت بیمار. بنابراین، پس از رفع «حالت خطرناک»، ادامه اقدامات تأمینی بیهوده خواهد بود (رهامی، ۱۳۹۲، ص ۴۵)؛ همان‌طور که قبل از بهبودی و رفع حالت خطرناک، رهاکردن کسی که دارای حالت خطرناک است، خلاف مصالح عمومی و سیاست جزایی است.

تفاوت در تجدیدپذیری: مجازات‌ها به‌طور اصولی پس از طی مراحل، قطعیت می‌یابند و پس از آن تا خاتمه مجازات نمی‌توان حکم قطعیت‌یافته را تغییر داد، مگر در وضعیت‌های

خاصی مانند عفو، آزادی مشروط، اما در اقدامات تأمینی، برحسب وضعیت مجرم، امکان تجدیدنظر، قطع یا تغییر تدبیری که مورد حکم واقع شده، وجود خواهد داشت. چه بسا لازم باشد تدبیر تأمینی مورد حکم، موجب تشدید «حالت خطرناک» مجرم شود، در این صورت باید سریعاً نسبت به قطع تدبیر تأمینی یادشده و اتخاذ تصمیم دیگری اقدام کرد. این امر به‌ویژه در مورد اطفال و نوجوانان مجرم حائز اهمیت فراوان است و عدم توجه و نظارت دقیق در اعمال تدابیر اصلاحی و تربیتی نسبت به آنان، موجب صدمات جسمی و روانی فراوان شده و نوعاً اطفال را در معرض لغزش‌های بزرگ‌تر قرار می‌دهد و از آنها جنایتکاران خطرناکی خواهد ساخت که نمونه‌های فراوان آن همه روزه در سطح جامعه مشاهده می‌شود و نوجوانانی که به‌دلیل ارتکاب جرم خفیفی، مدتی در محلات سلب آزادی قرار گرفته‌اند، گاه به مجرمین حرفه‌ای و بی‌عاطفه تبدیل شده‌اند (علی‌آبادی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۲).

ج) مشترکات اقدامات تأمینی و مجازات

با توجه به اینکه مجازات و اقدامات تأمینی هدف واحدی را دنبال می‌کند که همان مبارزه با جرم است، واجد ویژگی‌های مشترکی نیز می‌باشند. به هریک از مختصات مشترک آن دو به‌طور مختصر اشاره می‌شود.

اشتراک در موضوع: موضوع تدابیر تأمینی و مجازات، منافع، حقوق و امتیازاتی است که بر اثر هریک محدود می‌شود. منافع می‌تواند مالی باشد یا حقوق و آزادی‌های افراد مانند تدابیر سلب‌کننده و یا محدودکننده آزادی و یا تدابیر مالی و اقتصادی؛

مسبوق بر وقوع جرم: اتخاذ تدابیر تأمینی و مجازات مسبوق بر وقوع جرم است؛ یعنی هر دو در جایی حکم می‌شود که جرمی به وقوع پیوسته باشد. از این رو، قانون‌گذار در فقره ۱ از ماده ۱۸۵ کد جزا می‌نویسد: «محکمه وقتی به تدابیر تأمینی پیش‌بینی شده این قانون حکم می‌نماید که ثابت شود محکوم‌علیه مرتکب عملی شده است که به حکم قانون جرم شناخته شده و حالت متهم یا محکوم‌علیه، بر منافع و مصالح اجتماع، خطر پنداشته شود». همین ویژگی اقدامات تأمینی را از اقدامات اداری و پلیسی متمایز می‌کند؛ زیرا اقدامات اداری در مورد تخلفات اداری و انضباطی است و تدابیری پلیسی نیز قبل از وقوع جرم و به‌منظور



جلوگیری از آن اتخاذ می‌شود؛ در حالی که تدابیر تأمینی بعد از وقوع جرم و به هدف جلوگیری از تکرار جرم به کار برده می‌شود.

حکم قضایی: اعمال مجازات و اقدامات تأمینی هر دو نیازمند فرایند قضایی و تصمیم محکمه است؛ یعنی بعد از رسیدگی و محاکمه اتخاذ می‌شود که ضمن آن متهم از خود دفاع می‌کند و تمام معیارهای محاکمه عادلانه رعایت می‌شود (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۲۳۵)؛ البته این مورد را نمی‌توان جنبه اشتراکی مجازات و اقدامات تأمینی دانست؛ زیرا در مواردی، پلیس و خائوالی هم می‌توانند در قبال مظنون و یا متهم، تدابیری احتیاطی اتخاذ نمایند.

د) تدابیر تأمینی در حقوق جزای افغانستان

قانون‌گذار مباحث مربوط به تدابیر تأمینی را در پنج محور بیان نموده است. بخش اول آن مربوط به مباحث عمومی تدابیر است؛ مانند تعریف تدابیر، اهداف تدابیر، موارد تدابیر و انواع تدابیر تأمینی.

۱. تعریف تدابیر تأمینی و هدف از تأسیس آن

قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۸۴ کود جزا به تعریف تدابیر و فلسفه تأسیس آن پرداخته است: «تدابیر تأمینی عبارت از اقداماتی است که از طرف محکمه ذیصلاح، جهت تربیت یا اصلاح متهم یا محکوم، انطباق مجدد وی به حیات اجتماعی یا جلوگیری از وقوع و تکرار جرم با نظرداشت حالت خطرناک بودن متهم یا محکوم اتخاذ و در فیصله ذکر می‌گردد». تعریف تدابیر تأمینی و بیان اهداف و مبانی آن از نوآوری‌های کود جزا است. قانون جزای سابق و همچنین قانون اجرائات جزا از انواع و موارد تدابیر بحث کرده بود، بدون آنکه تدابیر را تعریف و اهداف و ضرورت آن را بیان نماید. قانون‌گذار در ماده فوق‌الذکر تدابیر تأمینی را سلسله اقداماتی دانسته است که از سوی محکمه صلاحیت‌دار به منظور اصلاح متهم یا محکوم، تربیت و بازپروری وی و جلوگیری از تکرار جرم و با درنظرداشت حالت خطرناک اتخاذ می‌شود. محققان معتقدند که تدابیر تأمینی از حقوق فرانسه وارد حقوق موضوعه شده است. این نهاد حقوقی ترجمه اصطلاح فرانسوی Les mesures de surete بوده که به معنای تدابیر تأمینی است (رهامی، ۱۳۹۲، ص ۲). نویسندگان عرب‌زبان اقدامات تأمینی و تربیتی را تحت

عنوان «التدابیر الاحترازیة» بحث و بررسی و تعاریفی که از این تدابیر ارائه کرده‌اند، چندان تفاوتی با نویسندگان کتب حقوقی فارسی ندارد (ابوعامر، بی‌تا، ص ۱۵۱).

۲. موضوع تدابیر تأمینی

با توجه به تعریفی که قانون‌گذار از تدابیر تأمینی ارائه نموده است، موضوع و متعلق تدابیر تأمینی صرفاً محکوم‌علیه نیست؛ بلکه شامل متهم نیز می‌شود. «متهم کسی است که تهمت متوجه اوست و هنوز رسیدگی به جرم مورد تهمت شروع نشده و اگر شروع شده باشد، به رأی لازم‌الاجرا پایان نیافته است. پس از صدور حکم قطعی در مورد اتهام و احراز بزه او را مجرم گویند» (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۱۲). مطابق جزء ۱۳ ماده ۴ قانون اجرائات جزایی (۱۳۹۳) متهم «شخصی است که بنابر ارزیابی دلایل اثبات جمع‌آوری شده هنگام تحقیق، به حیث مرتکب تشخیص و اتهام بر وی وارد گردیده باشد». «محکوم‌علیه شخصی است که محکمه ذیصلاح مطابق احکام قانون به ملزم بودن وی حکم نموده باشد»؛ یعنی محکوم‌علیه شخصی است که محکمه صلاحیت‌دار وی را به تحمیل مجازات و یا تدابیر تأمینی ملزم نموده باشد.

موضوع تدابیر تأمینی در قانون جزای سابق (فقره ۱ ماده ۱۲۱) صرفاً محکوم‌علیه بود و شامل متهم نمی‌شد. همان‌طور که بیان شد، قانون‌گذار در کود جزا، برخلاف قانون سابق، متعلق تدابیر تأمینی را علاوه بر محکوم‌علیه، شامل متهم نیز دانسته است. تعمیم دادن تدابیر تأمینی را در مورد متهم موافق با قواعد عمومی حقوق جزاست. بدین مفهوم که مراجع عدلی می‌توانند جهت جلوگیری از فرار مظنون یا متهم و جمع‌آوری ادله و مدارک جرمی، تدابیر تأمینی را اتخاذ نمایند. چنان‌که مطابق فقره ۳، ماده ۸۸، قانون اجرائات جزایی (۱۳۹۳)، به خائنوال صلاحیت اتخاذ برخی از تدابیر احتیاطی در مورد متهم تفویض شده است. از جمله، گرفتاری و تحت توقیف قرار دادن مرتکب جرم قبل از محاکمه توسط پلیس و سارنوالی به منظور جلوگیری از تکرار جرم یا وقوع حادثه ناگوار تا اینکه قضیه نسبت داده شده، از جانب محکمه رسیدگی شود، خود از نوع تدابیر تأمینی است که قبل از صدور حکم محکمه طبق قانون از صلاحیت مراجع یادشده می‌باشد.

اما سؤال اساسی این است که قانون‌گذار از یک طرف اعمال تدابیر تأمینی را مقید به فیصله محکمه نموده است و غیر از محکمه هیچ نهادی حق اتخاذ تدابیر تأمینی را ندارد و



ازسوی دیگر، تدابیر تأمینی را در مورد متهم نیز جاری دانسته است و مفهوم این تعمیم این است که سایر مراجع مانند پلیس و خارنوالی نیز حق اتخاذ تدابیر تأمینی را دارا می‌باشند. این دو حکم چگونه با هم جمع می‌شود؟ متهم همان‌گونه که تعریف شد مربوط به مرحله اتهام و قبل از صدور حکم محکمه است. بنابراین، یا قانون‌گذار اخذ تدابیر تأمینی را مقید به حکم محکمه نمی‌کرد و یا مانند قانون‌گذار سابق، متعلق تدابیر را صرفاً محکوم‌علیه می‌دانست. تعمیم دادن تدابیر تأمینی به متهم با تصریح حکم محکمه به تدابیر تأمینی سازگاری ندارد. البته این درست است که محکمه عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در رسیدگی به دوسیه‌ها و تطبیق احکام قوانین جزایی می‌باشد، اما درعمل، اگر اطفال مرتکب جرم شوند تا زمان رسیدگی به قضیه در محکمه، در مراکز اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند.

همچنان مجانین مرتکب جرم که هنوز قضیه وی به محکمه راجع نشده است، در مراکز صحتی عقلی و عصبی نگهداری شده و مورد معالجه و تداوی قرار داده می‌شوند و همین‌طور، معتادانی که مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند، قبل از محاکمه به مرکز معالجه و درمان فرستاده می‌شوند که بعداً همین ایام سپری شده در مراکز صحتی، تربیتی و درمانی در مدت حجز، حبس و تدابیر تأمینی آنها قابل محاسبه می‌باشد. بدین ترتیب، بهتر این بود که در ضمن تعیین و محدود نمودن قلمرو صلاحیت محاکم در زمینه اتخاذ تصمیم تدابیر تأمینی، حوزه صلاحیت سایر مراجع عدلی را نیز مشخص می‌نمود که پلیس، سارنوالی و مراجع دیگر نیز صلاحیت این امر را دارند که اشخاص دارای حالت خطرناک را تا بررسی و رسیدگی دوسیه آنها، در مراکز یا مؤسسه‌های مختص به نگهداری و نظارت بفرستند و تدابیر تأمینی را در مورد آنان اتخاذ نمایند.

۳. اهداف تدابیر تأمینی

با توجه به تعریفی که صورت گرفت اتخاذ تدابیر به هدف اصلاح، تربیت، باز جامعه‌پذیری و یا جلوگیری از تکرار جرم توسط شخصی است که وضعیت خطرناک از خود بروز داده است. فرق نمی‌کند این شخص در مرحله اتهام باشد یا توسط محکمه، محکوم شده و عنوان محکوم‌علیه را به خود گرفته باشد. هریک از اهداف ذکر شده به‌صورت مختصر بررسی می‌شود.

اصلاح یا تربیت متهم یا محکوم علیه: «اصلاح» به لحاظ لغوی، مصدر عربی و مفرد واژه «اصلاحات» است و دارای معانی متعدد و متنوعی است که عبارت‌اند از: به سامان آوردن، درست و راست کردن، التیام بخشیدن، سازش و آشتی دادن، دور کردن تباهی، رفع عیب و فساد، به صلاح آوردن، نیک و بهتر و استوار کردن. در زبان عربی، کلمه «اصلاحات» رایج بوده و از واژه «التعدیلات» نیز به جای اصلاحات استفاده می‌شود. راغب اصفهانی در مفردات، «اصلاح» را در برابر «افساد» قرار داده و این اوصاف را عموماً مختص اعمال و افعال انسانی دانسته است و اصلاح، گاه نیز در برابر گناه آمده است.

تربیت در فرهنگ فارسی عمید به معنای پرورش دادن، ادب و اخلاق را به یکی یاد دادن است. برخی تربیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. با توجه به این هدف می‌توان گفت: اقدامات تربیتی، تدابیری هستند در جهت اصلاح و تربیت مجرم که جنبه ارشادی، آموزشی و فرهنگی دارند که از این طریق راه برگشت مجرم به جامعه را تسهیل می‌کنند (تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

با توجه به مطالبی که بیان شد، اصلاح و تربیت دواژه مترادف‌اند؛ ولی قانون‌گذار آنها را دو مفهوم متفاوت دانسته است؛ زیرا مقرر کرده اصلاح و یا تربیت. به نظر می‌رسد که اصلاح ثمره و نتیجه تربیت باشد. اصلاح مجرم و تربیت او، از مباحث مهم همه نظام‌های حقوقی است و یکی از روش‌های اصلاح و تربیت مجرم اتخاذ تدابیر تأمینی است.

انطباق با حیات اجتماعی: انطباق در لغت‌نامه دهخدا به معنای موافق، برابر شدن و به هم پیوستگی است. در اصطلاح حقوق جزا انطباق اجتماعی به مفهوم سازگاری اجتماعی است و سازگاری اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه‌های اجتماعی به روش‌هایی که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد. انطباق اجتماعی آموزش عملی و فرآیندی است که افراد را قادر می‌کند تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی و رفتار خود را کنترل و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم کنند. به‌دیگرسخن، سازگاری اجتماعی یک جریان ویژگی است که براساس آن روابط و مناسبات اجتماعی افراد شکل گرفته و رضایت متقابل آنان فراهم می‌آید.





جلوگیری از وقوع و تکرار جرم: سومین هدفی که در اقدامات تأمینی تعقیب می‌شود، جلوگیری از وقوع جرم و همچنین جلوگیری از تکرار جرم است. با اتخاذ تدابیر تأمینی یا اصلاً جرمی واقع نشود و یا اگر جرم به وقوع پیوسته است، دوباره تکرار نشود. برای مثال، با اتخاذ تدابیری درمانی و مراقبتی در مورد افراد معتاد و مجانین، از وقوع جرم توسط آنها جلوگیری به عمل می‌آید و با اِعمال تدابیر سلب‌کننده یا محدودکننده آزادی از وقوع جرم مجدد جلوگیری می‌شود.

۴. شرایط اجرای تدابیر تأمینی

قانون‌گذار در ماده ۱۸۵ به موارد و شرایط تطبیق تدابیر تأمینی پرداخته است. شرایط اجرای تدابیر تأمینی عبارت است از حکم محکمه، وقوع جرم، احراز حالت خطرناک و رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها: «ماده ۱۸۵: (۱) محکمه وقتی به تدابیر تأمینی پیش‌بینی شده این قانون حکم می‌نماید که ثابت شود محکوم‌علیه مرتکب عملی شده است که به حکم قانون جرم شناخته شده و حالت متهم یا محکوم علیه، بر منافع و مصالح اجتماع، خطر پنداشته شود؛ (۲) حالت متهم یا محکوم‌علیه وقتی علیه منافع و مصالح اجتماع خطر پنداشته می‌شود که از رویه وی در حال و گذشته و یا از حالات و علل ارتکاب جرم، احتمال قوی وقوع جرم متصور باشد؛ (۳) محکمه مکلف است صرفاً در حالات و شرایط پیش‌بینی شده این قانون به تدابیر تأمینی حکم کند»

ماده ۱۸۵ کد جزا، با اندک تفاوتی عین ماده ۱۲۱ قانون جزای سابق است و هر دو در مقام بیان موارد اعمال تدابیر تأمینی هستند. تنها تفاوت در متعلق تدابیر تأمینی است. یعنی براساس کد جزا تدابیر تأمینی هم شامل محکوم می‌شود و هم شامل متهم؛ اما براساس قانون جزای سابق تدابیر تأمینی محدود به محکوم‌علیه بود. شرایط اجرای تدابیر تأمینی وفق کد جزا عبارت است از:

تصریح حکم محکمه: قانون‌گذار، حکم به اتخاذ تدابیر تأمینی را جزء صلاحیت‌های محکمه دانسته است و غیر از محکمه صلاحیت‌دار هیچ نهادی اعم از پلیس و خرنوالی حق اعمال تدابیر تأمینی را در مورد هیچ‌کس ندارد. همان‌طور که بیان شد، شایسته بود که قانون‌گذار برای سایر نهادها مانند خرنوالی و پلیس تحت شرایط خاصی صلاحیت می‌داد تا در مورد افراد مظنون، متهم و همچنین مجانین، اطفال و معتادین، تدابیری را اتخاذ نمایند. همچنان‌که

در عمل، این تدابیر از سوی مراجع ذکر شده اعمال می‌شود. این تدابیر هرچند عنوان تدابیر احتیاطی را دارد، ولی از نظر ماهیت با تدابیر تأمینی تفاوتی ندارد؛ زیرا پلیس می‌تواند افراد مظنون به ارتکاب جرم جنایت و جنحه را تحت نظارت قرار داده و آزادی وی را ولو به صورت محدود سلب نماید. همچنین خرنوالی می‌تواند در شرایط خاص قرار توقیف مظنون یا متهم به ارتکاب جرم را صادر نماید یا کفالت بالمال اخذ نماید.^۱ سلب و یا تحدید آزادی و همچنین گرفتن ضمانت مالی از جنس و ماهیت تدابیر تأمینی است.

اثبات مجرمیت: دومین شرط تطبیق تدابیر تأمینی این است که برای محکمه مجرمیت فرد متهم به اثبات برسد. بنابراین، اگر شخص مرتکب جرم قانونی نشده و یا اینکه اتهام به ارتکاب جرم، برای محکمه ثابت نشود، تدابیری تأمینی مورد نخواهد داشت. بنابراین، دومین شرط قانونی برای اجرای تدابیر تأمینی این است که یک شخص مرتکب عمل جرمی شده و طبق قانون قابل مجازات باشد.

احراز حالت خطرناک: سومین شرط تطبیق تدابیر تأمینی این است که محرز شود وضعیت مجرم یا متهم نسبت به جامعه و امنیت عمومی خطرناک است. اصطلاح حالت خطرناک از اوایل قرن نوزدهم با پیشرفت روان‌پزشکی و نگهداری بیماران روانی برای مدت معین در بیمارستان‌ها متداول شد. در جرم‌شناسی بالینی (کلینیکی) حالت خطرناک، حالتی است که به اثر اقتران عوامل جرم‌زا (عوامل فردی-اجتماعی) و تأثیر آن در یک فرد معین او را به ارتکاب جرم می‌کشاند (صلاحی، ۱۳۹۲، ص ۶۶). همچنان گفته شده است که حالت خطرناک و سوسه احتمالی است که در فرد مجرم وجود دارد تا بدین ترتیب وی را به سوی ارتکاب جرم بکشاند.

«هرگاه با توجه به وضع روحی و جسمی مخصوص فرد مجرم، استنباط شود که با اجرای مجازات معمولی نمی‌توان از دست زدن او به اعمال مجرمانه جلوگیری کرد، وی دارای حالت خطرناک است». جرم‌شناسان معمولاً دو معیار برای تشخیص حالت‌های خطرناک ارائه داده‌اند: یکی، تعیین ضرر و زیان و خطری که از جانب مجرم ایجاد می‌شود که در اصطلاح جرم‌شناسی ظرفیت جنایی نامیده می‌شود و دیگری قدرت سازگاری اجتماعی و مخفی سازی که از آن به انطباق اجتماعی تعبیر می‌شود (حکمت، بی تا، ص ۱۷۲).

۱. قانون اجرائات جزایی، پیشین، مواد ۸۰ و ۹۹.



در فقره دوم ماده ۱۸۵ کود جزا، معیار احراز حالت خطرناکی مجرم بیان شده است: «حالت متهم یا محکوم علیه وقتی علیه منافع و مصالح اجتماع خطر پنداشته می شود که از رویه وی در حال و گذشته و یا از حالات و علل ارتکاب جرم، احتمال قوی وقوع جرم متصور باشد». در این فقره، دو معیار برای تشخیص حالت خطرناک شخص مجرم در نظر گرفته شده است: یکی، رویه یا رفتار پیش از وقوع جرم و رویه یا رفتار فعلی شخص مجرم و دوم، علل و سایر حالات تأثیرگذار بر وقوع جرم ارتکاب یافته که درنهایت با بررسی این دو عنصر احتمال جدی و قوی وجود داشته باشد که شخص مرتکب جرم، مجدداً به ارتکاب جرم اقدام خواهد کرد. صلاحیت تشخیص و ارزیابی این معیارها، بر عهده شخص قاضی محکمه ذیصلاح می باشد. البته به منظور اینکه قاضی بتواند به چگونگی رویه پیش از ارتکاب جرم دست یابد و رویه فعلی شخص مرتکب جرم را کشف نماید، تا به رؤیت آن حالت مخاطره آمیز او را تشخیص نماید، به وجود پرونده شخصیتی نیاز است. ترتیب و تهیه پرونده شخصیتی مرتکب جرم، بر عهده نهادهای کشف جرم (پلیس) و تحقیق (سارنوالی) می باشد که در این زمینه قانون هیچ گونه مکلفیتی متوجه آنان نکرده است تا مراجع پیش گفته ملزم باشند که ضم دوسیه جرمی، به تهیه پرونده شخصیتی نیز اقدام نمایند.

بنابراین، با توجه به شرط سوم، در ضمن اینکه شخص مرتکب عمل مجرمانه شده، حالت وی علیه منافع و مصالح اجتماع خطر دانسته شود. مفهوم مخالف این است که هرگاه شخص مرتکب جرم، حالت خطرناک نداشته باشد، تدابیر تأمینی متوجه او نخواهد شد. اما مشکلی که به نظر می رسد این است که آن عده مجرمینی که مرتکب جرم نشده اند و محکوم علیه نمی باشند، اما حالتی دارند که علیه منافع و مصالح عامه خطرناک شمرده می شوند؛ مانند مجانین، معتادین، ولگردها. به منظور مقابله با آنها برای حفاظت از جامعه چه باید کرد؟ آیا می توان آنها را مورد تطبیق تدابیر تأمینی قرار داد یا خیر؟ پاسخ این سؤال با در نظر داشت فقره ۱ ماده ۱۸۵ کود جزا منفی است تا زمانی که شخص مرتکب جرم نشود و حالت خطرناک نداشته باشد، نمی توان تدابیر تأمینی نسبت به آنها اعمال نمود.

رعایت اصل قانونی بودن: چهارمین شرط برای اجرای تدابیر تأمینی مطابق فقره سوم ماده ۱۸۵ کود جزا این است که قاضی محکمه صرفاً در چهارچوب پیش بینی شده در کود جزا می تواند حکم به تدابیر تأمینی صادر نماید. پس مواردی که در کد جزا به عنوان تدابیر تأمینی

پیش‌بینی نشده است هرچند در سایر قوانین جزایی مندرج باشد، مورد حکم محکمه قرار نخواهد گرفت. به‌دیگرسخن، مستند حکم قاضی در صدور تدابیر تأمینی باید کد جزا باشد. بنابراین، این تدابیر لزوماً باید توسط قانون تصریح و شرایط اعمال آن به‌دقت در قوانین اشاره شده باشد. پس قاضی نمی‌تواند به بهانه حفظ جامعه، تأمین عدالت جزایی و کشف حالات خطرناک به حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان تعرض نماید.

۵. انواع تدابیر تأمینی

قانون‌گذار در ماده ۱۸۶ کد جزا به بیان انواع تدابیر تأمینی پرداخته است. برخی از تدابیر مربوط می‌شود به اقداماتی که آزادی را سلب یا محدود می‌نماید و برخی از تدابیر حقوق و امتیازات مرتکب جرم را سلب می‌کند و برخی از تدابیر مربوط می‌شود به امور مالی و اقتصادی: «ماده ۱۸۶: تدابیر تأمینی قرار ذیل می‌باشد: ۱. تدابیر سلب‌کننده آزادی؛ ۲. تدابیر تحدیدکننده آزادی. ۳. تدابیر سلب‌کننده حقوق؛ ۴. تدابیر مالی و اقتصادی. ماده ۱۸۶ کد جزا عین ماده ۱۲۲ قانون جزای سابق است. هر دو ماده مصادیق و انواع تدابیر را بیان کرده است. تفاوت صرفاً در دو مورد است: یکی در عنوان ترکیبی است که کد جزا تعبیر به تدابیر تأمینی نموده است؛ اما قانون جزا تحت عنوان تدابیر امنیتی بحث کرده بود و دیگری در مورد تدابیر مالی است که کد جزا در کنار مالی عنوان اقتصادی را هم افزوده است. توضیح هریک از انواع تدابیر و قواعد حاکم بر آن نیازمند بحث تفصیلی است که خود تدوین مقاله مستقل را ایجاب می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

اقدامات تأمینی و تربیتی یکی از واکنش‌های اجتماعی است که در کنار دیگر جزاها در قوانین موضوعه بسیاری از کشورها به‌منظور تربیت، اصلاح و بازپروری مجرم و جلوگیری از تکرار جرائم پیش‌بینی شده است. هرچند رویکردهای متعدد در مورد موجودیت و یا حذف اقدامات تأمینی مطرح شده است، اما رویکرد معتدل و رایج امروزی ضرورت اقدامات تأمینی با حفظ سایر مجازات است. اقدامات تأمینی هرچند از نظر هدف، موضوع، زمان تطبیق، مسئولیت جزایی و بازنگری با مجازات تفاوت بنیادین دارد، اما از جهات (موضوع، مسبوق بودن بر وقوع جرم و ضررت به حکم محکمه) با مجازات شباهت دارد. قانون‌گذار افغانستان، اقدامات تأمینی را در قوانین موضوعه جهت تربیت و اصلاح مجرم و انطباق وی با حیات اجتماعی و جلوگیری از تکرار جرم پیش‌بینی نموده است و با شرایط ویژه تطبیق آن را بر هر بزهکاری اعم از متهم و محکوم‌علیه لازم دانسته است. شرایط اعمال اقدامات تأمینی در حقوق جزای افغانستان عبارت است از: احراز مجرمیت، وجود حالت خطرناک، رعایت اصل قانونی و تصریح حکم محکمه. قلمرو اقدامات تأمینی در حقوق جزای افغانستان وسیع است و این اقدامات شامل تدابیر سلب‌کننده آزادی، تدابیر محدودکننده آزادی، تدابیر سلب‌کننده حقوق و تدابیر اقتصادی و مالی می‌شود که با شرایط وضعیت‌های خاصی قابل تطبیق خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. ابوعمار، محمدذکی (۱۹۹۲ م). قانون العقوبات (القسم العام). بیروت: الدارالجامعیه.
۲. الراغب الاصفهانی (۱۳۹۲). معجم مفردات الفاظ القرآن. بیروت، دارالفکر.
۳. آنسل، مارک (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۴. النبروی، محمدسامی (۱۹۹۵ م). شرح الاحکام العامه لقانون العقوبات اللیبی. جامعه وقار یونس.
۵. بولک، برنار (۱۳۸۲). کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ سوم، تهران: مجد.
۶. باهری، محمد (۱۳۸۰). نگرشی بر حقوق جزای عمومی. چاپ اول، تهران: مجد.
۷. بابایی، محمدعلی (۱۳۹۰). جرم‌شناسی بالینی. چاپ اول، تهران: میزان.
۸. ناتل، ژان پی (۱۳۴۵). جرم‌شناسی، ترجمه رضاعلومی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. حکمت، سعید، (بی‌تا). روان‌پزشکی کیفری. تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). سیری در تربیت اسلامی. چاپ سوم، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. رهامی، محسن (۱۳۹۲). اقدامات تأمینی و تربیتی. چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۳. صالحی، جاوید (۱۳۹۲). کیفرشناسی و دیدگاه‌های جدید. چاپ سوم، تهران: میزان.
۱۴. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۳). موازین قضایی. جلد اول، چاپ اول، تهران: حسینیه ارشاد.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۱۷. کود جزا، ۱۳۹۶
۱۸. قانون اجرائات جزایی، ۱۳